

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۱

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال هجدهم، شماره ۶۹، پاییز ۱۴۰۰

[DOR:20.1001.1.2008.0514.1400.18.69.150](https://doi.org/10.1016/j.2008.0514.1400.18.69.150)

مقایسه تحلیلی رویکرد حاکم بر ترجمه قرآن ابوالفتوح رازی و گرمارودی

با تفسیر عرفانی کشف الاسرار

سهراب جینور^۱

محمدحسن معصومی^۲

نادعلی عاشوری تلوکی^۳

چکیده

قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده و هر یک از آنان تلاش کردند تا برداشت و تفسیر خود را به سبک خاصی به جامعه علمی خودشان ارائه دهند. ابوالفتوح رازی، رشیدالدین میبدی و موسوی گرمارودی از جمله کسانی هستند که در عرصه تفسیر و ترجمه قرآن گام‌های بزرگی برداشته‌اند. ابوالفتوح رازی یکی از برجسته‌ترین واعظان منطقه ری در قرن ششم هجری است. این سمت موجب گردیده است تفسیر او سبک واعظانه داشته باشد. از اقتضات چنین سبکی توجه ویژه به روایات تفسیری است. رشیدالدین میبدی در کشف الاسرار آیات قرآن را در سه نوبت تفسیر می‌کند و در ضمن آن از قرائت، شأن نزول، اخبار و احادیث و غیره به تفصیل سخن می‌گوید و در نوبت ثالثه آیات را به مذاق صوفیان و عارفان توجیه و تأویل می‌کند. در این پژوهش که به شیوه توصیفی تحلیلی است، کوشش شده با مقایسه تفسیر کشف الاسرار و تفسیر روض الجنان ابوالفتوح رازی - که هر دو در قرن ششم نوشته شده است - تفسیر و ترجمه جدید موسوی گرما رودی و نیز تأثیر دیدگاه‌های عرفانی میبدی بر تفاسیر دیگر نشان داده شود.

کلیدواژه‌ها:

تفسیر عرفانی، ترجمه قرآن، ترجمه گرمارودی، کشف الاسرار، روض الجنان.

^۱ - گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

^۲ - استادیار گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)؛ گروه زبان و ادبیات

عرب، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران dr.mh.masoumi@gmail.com

^۳ - استادیار گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۱. پیشگفتار

قرآن حاصل القای معانی بلند آسمانی بر لوح دل و ضمیر پیامبر (ص) است که در زیباترین ظرف زبانی بیان گشته، به همین دلیل، از طرفی تقلیدناپذیر و تکرارناشدنی است و از طرف دیگر، تمام خصوصیات یک اثر هنری را چه به صورت فرم و چه به لحاظ محتوا داراست. پس نگاه به آن باید از چشم انداز هنر باشد و برای شناخت ساحت‌های مختلف آن، می‌بایست از مباحث جمال‌شناسیک یعنی تخیل، رمز، عاطفه و چندمعنایی بودن استفاده کرد. دور شدن و فاصله گرفتن از موقعیت زمانی صدر اسلام، سبب کم‌رنگ شدن زهد و زاهدی و رونق گرفتن عرفان و تصوف و مباحث روحانی شده است. این تغییر مسیر نشان از هنجارشکنی و عادت‌ستیزی دارد که هر دو از ویژگی‌های هنر ناب است. نگاه عرفان و تصوف به الهیات نیز از این مقوله است، یعنی از یک سو ساختارها و شالوده‌های سنتی را در هم شکسته و فرمی نو می‌آفریند و از سوی دیگر، باعث تری و طراوت دین می‌گردد. بخشی از تفاسیر فارسی متعلق به قرن پنجم و ششم نیز بدین شیوه گرایش دارند؛ یعنی در عین حال که مقید به آوردن اخبار و احادیث و روایات‌اند با بهره‌گیری از عرفان و تصوف، خود را از قید عادت‌ها و شکل‌های سنتی می‌رهانند.

مراجعه به منابع تفسیری، نقش سخن و آرایش آن را با صنایع بدیعی از جمله سجع، تشبیه، تمثیل و استعاره، بیشتر آشکار می‌سازد. وجود رمز و اسرار فراوان در کلام وحی و همچنین بهره‌گیری از تخیل در توصیف و تصویرگری و چندمعنایی بودن بعضی از کلمات و اصطلاحات، قرآن را به یک اثر هنری ناب مبدل ساخته که خاستگاه آن قلمروی تجربه‌های عاطفی است. تفسیر نخستین این کلام هنری در قالب کلمات ساده و بی‌پیرایه با زبان معمول و مرسوم انجام می‌گیرد و از هرگونه انعطاف و نگاه هنری عاری است؛ اما رفته‌رفته با گرایش مفسرین به زهد و بعد از آن عرفان و تصوف، جهت خود را تغییر داده و به زبان انتزاع نزدیک می‌شود.

ادبیات ایران در قرن ششم با دو مفسر ارجمند روبروست، یکی ابوالفتوح رازی که در یک نگاه کلی می‌توان او را «مفسر واعظ» نامید و دیگر رشیدالدین میبدی که بهترین صفت برای او «مفسر ادیب» است آثار این دو تمام ویژگی‌های تفسیری قرون مذکور را به شدت و ضعف دارا است. پذیرش این تعریف که عرفان و تصوف نگاه هنری به الهیات و مذهب است، ما را در مقایسه آثار این دو شخصیت، کمک فراوانی می‌کند به طوری که در یک چشم‌انداز کلی می‌توانیم بگوییم تفسیر میبدی در نوبت ثالثه نسبت به تفسیر ابوالفتوح رازی از رنگ و صبغه عرفانی بسیار بیشتری برخوردار است.

به عبارت دیگر، ادبی بودن تفسیر میبیدی چشمگیرتر است و به‌دیگرسخن، باید گفت که در تفسیر روض‌الجنان و روح‌الجنان گرایش به تأویل بر محور تعقل شرعی و خردورزی است، حال آنکه در نوبت ثالثه کشف‌الاسرار، تمایل به تأویل حول محور تخیل و تجربه درونی می‌گردد.

ترجمه قرآن گرمارودی، اثر استاد سیدعلی گرمارودی، نمونه برتر نثر ترجمه قرآن در زمان ما می‌باشد. «گرمارودی در ترجمه لغات شیوا و فاخر و استوار، هم از زبان کلاسیک و هم معاصر به‌صورتی آمیخته استفاده کرده است؛ به‌گونه‌ای که نثر ترجمه ایشان، نه نثری قدیمی است و نه زبان محاوره. از اشارات توضیحی و پی‌نوشت‌های مؤلف پدیدار است که از گنجینه فارسی فرارودی که امروز زبان تاجیکی می‌نامند و نیز از واژه‌های شاهنامه، مثنوی، تاریخ بیهقی، هریک که در زبان امروز ما زنده است، استفاده کرده‌اند» (خجندی، ۱۳۸۵: ۴۲۳).

سیدعلی موسوی گرمارودی برای دست‌یابی به ترجمه روان و استوار شرایط لازم در ترجمه را رعایت کرده و برای ترجمه‌ای زیبا، خود را مقید به اصولی دانسته و از ابتدا تا انتها درصدد اعمال این اصول در ترجمه خود بوده‌است.

۱-۱. بیان مسأله

هدف اصلی این تحقیق بررسی و مقایسه سبکی تفسیر ابوالفتوح رازی، کشف‌الاسرار میبیدی و ترجمه گرمارودی می‌باشد. یکی از فنون ادبی فارسی، سبک‌شناسی است. «سبک در لغت به معنی گداختن و ریختن زر و نقره است و سبیکه پاره نقره گداخته را گویند؛ ولی ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنی طرز خاصی از نظم و نثر استفاده کرده‌اند و تقریباً آن را در برابر «style» اروپاییان نهاده‌اند» (بهار، ۱۳۸۱: ۱). سبک در عرف ادب و اصطلاح به طرز ادبی اطلاق می‌شود که از لحاظ مشخصات و وجود، امتیازی که نسبت به هنرهای زیبای مشابه دارد و مورد مطالعه قرار می‌گیرد و نیز روش نگارشی که به وسیله خواص ممتاز خویش مشخص باشد. سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب و طرز تعبیر.

تفاسیر فارسی گنجینه‌های نفیسی است که هم از نظر شرح و بیان کلام حضرت حق و هم از نظر آشنایی با واژه‌های کهن پارسی - مستعمل یا نامستعمل در زبان پارسی امروز و طرز جمله‌بندی و نگارش و اختصاصات انشایی و سبک‌شناسی، مفردات و مرکبات لغات، واژه‌ها حائز اهمیت و توجه بسیار است و به عبارت دیگر، هم مورداستفاده اهل معنا و معرفت است و هم شایسته تحقیق و تعمق و پژوهش اهل زبان و ادب و زبان‌شناسان.

بررسی این سه تفسیر شریف به‌لحاظ انواع سبک‌های تفسیری، دارای اهمیت می‌باشد. با نگاهی کلی و گذرا به مجموعه تفاسیر شیعه در گذشته و حال، می‌توان دریافت که مفسران شیعه در پرداختن به تفسیر قرآن از انواع سبک‌های تفسیری بهره‌برده‌اند.

تفسیر شریف ابوالفتوح رازی موسوم به روض الجنان می‌باشد. امام جمال‌الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد بن حسین بن احمد رازی از علمای تفسیر و کلام، ناقلان فاضل حدیث و از نویسندگان بزرگ فارسی قرن ششم هجری است. وی مؤلفاتی دارد که مهم‌ترین آن‌ها تفسیر قرآن موسوم به روض الجنان و روح الجنان است که به زبان فارسی می‌باشد. تألیف این اثر در اواسط قرن ششم هجری یعنی قبل از ۵۱۰ و پس از ۵۶۶ هجری بوده است. «در اثر مزبور از نثر کهن استفاده شده است؛ زیرا در صرف، نحو، لغات و طرز جمله‌بندی کاملاً به کتب قرن ششم شباهت دارد و غالب سلیقه‌های آن عصر در این کتاب دیده می‌شود؛ مثل ذکر افعال شرطی، تردیدی، مطیعی و استمرار با یای مجهول و استعمال متکلم مع‌الغیر در فعل‌های تردیدی و این سبک یادگار لهجه محلی رازی است که در ری و توابع آن متداول بوده است. استعمال افعال مکرر و عدم حذف افعال به قرینه، خبر به ندرت، از دیگر ویژگی‌های تفسیر مذکور می‌باشد که نثر قبل از آن را در اذهان تداعی می‌کند؛ اما شیوه‌ای که منحصر به آن است، مفرد آوردن جمع مخاطب می‌باشد» (بهار، ۱۳۸۱: ۲۹۲). مؤلف در تفسیر هریک از سوره، اطلاعاتی را درباره نام، شماره آیات و اینکه مکی است یا مدنی و نظرهای قاریان درباره آیات آن و مطالبی از این قبیل ذکر می‌کند و آنگاه به نقل و ترجمه آیات و تفسیر هریک و ذکر نظر خود درباره معانی لغات و اطلاعات آن‌ها می‌پردازد و داستان‌ها و حکایت‌های مربوط به آن را مذکور می‌دارد و در بسیاری از موارد نظرهایی را درباره مسائل فقهی و کلامی ارائه می‌دهد.

تفسیر کشف‌الاسرار تألیف رشیدالدین میبیدی، معروف به تفسیر خواجه‌عبدالله انصاری از جمله کامل‌ترین تفاسیر این عصر و از مهم‌ترین تفاسیر به زبان فارسی است. این تفسیر به سبک مفسرین عامه تألیف شده و علاوه بر این که شامل قرائات مختلف شأن نزول آیات و بحث در احکام فقهی و تأویلات عرفانی آن‌هاست از حیث سبک نثر مفردات و ترکیبات و به معنی استعمالات خاص فارسی نیز بسیار باارزش است.

مؤلف در این تفسیر به تفسیر خواجه‌عبدالله انصاری نظر داشته و درحقیقت خواسته است تفسیر موجز و مختصر خواجه را با شرح و بسط بیشتری بیاراید و از آن روی همه جا به سخنان وی استشهاد کرده و از او به نام پیر طریقت و جمال اهل حقیقت نام برده است.

میبیدی نخست آیات قرآن را تحت عنوان النوبه‌الاولی جزبه‌جز به فارسی روان و شیرین تحت‌اللفظی ترجمه می‌کند و سپس تحت عنوان نوبت‌الثانی به بیان شأن نزول آیات و وقایع تاریخی و ذکر اخبار و احادیث همراه داستان‌های نغز برای توضیح و روشن ساختن معنی و مقصود می‌پردازد و سرانجام تحت عنوان نوبت‌الثالثه تأویلات عرفانی آیات و سخنان نغز مشایخ عرفان را می‌آورد و این قسمت را بیشتر با سخنان خواجه‌عبدالله انصاری و اشعار سنایی می‌آمیزد.

به‌طورکلی کتاب دارای دو سبک نگارش مختلف و آمیخته درهم است؛ به‌طوری‌که در قسمت‌هایی از آن لغات عربی کم، جمله‌ها کوتاه و تکرار اقسام کلمات به چشم می‌خورد و به عبارت

دیگر، چون منظور مؤلف بیان معنی است، از این جهت نثر روان و ساده و طبیعی، نظیر نثر قرن چهارم بوده و حتی جملات عربی یا اشعار فارسی آیات و اخبار به عنوان یک رکن زینتی در آن دیده نمی‌شود و اکثراً معلم می‌کوشد که عباراتش ساده و اقوال و اخباری که نقل می‌کند بدون تصرف و به صورت نقل قول باشد، از این روی، نثرش ساده، شیرین و استوار و پر از لغات اصیل فارسی و ترکیبات زیبا و قدیمی و فعال و صیغه‌های پیشاونددار کامل است و اثر تکلفات و تصنع‌ات قرن بعد در آن مشهود نیست.

ترجمه گرمارودی نمونه برتر نثر ترجمه قرآن در زمان ما می‌باشد. ایشان همه امکانات و ابزار زبان فارسی را به کار گرفته‌اند تا این ترجمه، صحیح و دلپذیر گردد. در ترجمه، لغات شیوا، فاخر و استوار، هم از زبان کلاسیک و هم معاصر به صورت آمیخته استفاده شده‌است؛ به گونه‌ای که نثر ترجمه‌ایشان، نه نثری قدیمی است و نه به زبان محاوره. تسلط گرمارودی بر زبان و ادبیات فارسی و نثرکهن فارسی سبب شده که ترجمه وی از قرآن کریم ویژگی‌های منحصر به فردی داشته باشد. ایشان به دلیل داشتن چنین تسلطی ترجمه‌ای ارائه کرده که می‌تواند به عنوان نثر معیار فارسی مورد توجه قرار گیرد. این مسأله در معادل‌یابی‌های لغوی گرمارودی نسبت به مترجمان دیگر قرآن به خوبی مشهود و بارز است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

در حوزه تفسیر کشف الاسرار و روض الجنان، پژوهش‌های بسیاری در قالب کتاب، رساله، پایان‌نامه و مقاله انجام گرفته‌است و همچنین در باب ترجمه قرآن، پژوهش‌هایی به صورت مجزا صورت گرفته‌است که بدان‌ها اشاره می‌شود:

محمد رحیمی خویگانی (۱۳۶۹)، در مقاله‌ای با عنوان «نقد واژگانی؛ ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم با تکیه بر سطح معنایی - لغوی گارسس» به این نکته پرداخته‌است که واژگان ترجمه گرمارودی از منظر مؤلفه‌های نظریه گارسس، قابل نقد و ارزیابی است.

مریم خارچینه (۱۳۸۷) پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مقایسه ترجمه قرآن کریم (از ترجمه‌های محمدمهدی فولادوند و علی موسوی گرمارودی ۱۵ جزء اول)» ترجمه‌های قرآن را از لحاظ لغوی، صرفی، نحوی، بلاغی بررسی کرده‌است.

ملیحه حسین پور (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه با عنوان «معرفی کتاب تفسیر روض الجنان و نویسنده آن» به دسته‌بندی‌هایی از کاربرد روایت‌های موجود در تفسیر پرداخته و برخی از روایت‌های اسرائیلی را در این تفسیر، بیان و مورد نقد و بررسی قرار داده‌است.

امین محمودی پور (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی اسباب نزول در تفسیر ابوالفتوح رازی و طبری» به بررسی مبانی تطبیقی ترجمه از نگاه ابوالفتوح رازی و طبری پرداخته‌است.

زهرا کریمی (۱۳۹۲). در پایان‌نامه «تحلیل ساختاری سوره آل‌عمران با تأکید بر ترجمه گرمارودی و بهرام پور» به بررسی زمینه ساختارشناسی سوره آل‌عمران پرداخته‌است.

عسگر آزمون‌اسمرود (۱۳۹۳). در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و مقایسه سبکی تفسیر ابوالفتوح رازی (روح‌الجنان)، کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار میبدی و ترجمه تفسیرالمیزان علامه طباطبایی با تأکید بر سوره‌های مبارکه حمد، یوسف، کهف و قصص» به این نتیجه رسیده‌است که بین تفسیر روح‌الجنان و مجمع‌البیان اشتراکات فراوانی وجود دارد و در تفسیر بعضی آیات به‌نظرمی‌رسد که از یکدیگر برداشت کرده‌اند و کشف‌الاسرار میبدی هم از تفسیر مجمع‌البیان استفاده کرده‌است و علامه طباطبایی نیز آن تفاسیر را در تفسیر خود در نظر داشته‌است.

حوری رضازاده سفیده (۱۳۹۴). در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ترجمه قران از تفسیر روح‌الجنان و روح‌الجنان» به این نکته اشاره کرده‌است که ابوالفتوح با بیان اقوال معصومان و عالمان پیش از خود، تلاش کرده تا به ابعاد مختلف معنا و تفسیر آیات بپردازد.

آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یادشده می‌شود؛ این است که تاکنون هیچ پژوهشی درباره مقایسه تحلیلی رویکرد حاکم بر ترجمه قران ابوالفتوح رازی و گرمارودی با تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار، صورت‌نگرفته‌است؛ بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار صورت می‌گیرد و نوآورانه است.

۱-۳. پرسش تحقیق

- تفاسیر سه‌گانه روح‌الجنان، کشف‌الاسرار و ترجمه گرمارودی به‌لحاظ گرایش تفسیری چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟
- هرکدام از تفاسیر فوق از چه عناصر و سازوکارهای القای معانی (آرایه ادبی، تمثیل و داستان) استفاده کرده‌اند؟

۱-۴. فرضیه‌های تحقیق

- رشیدالدین میبدی در تفسیر کشف‌الاسرار از گرایش تفسیری عرفانی استفاده کرده‌است.
- ابوالفتوح رازی در تفسیر روح‌الجنان از گرایش تفسیری کلامی و فقهی استفاده کرده‌است.
- ترجمه گرمارودی به‌دلیل توانایی او در بلاغت فارسی دارای مترادفات زیبا و ترجمه‌هایی رسا و زیبا است.

- میبدی در تفسیر خود از صنایع ادبی بهره‌برده‌است.
- ابوالفتوح رازی در تفسیر خود از عنصر شعر، داستان و آرایه‌های ادبی استفاده کرده‌است.

۱-۵. اهداف تحقیق

- شناساندن سبک‌ها و جلوه‌های ادبی کهن که در تفاسیر ابوالفتوح و کشف‌الاسرار و ترجمه گرمارودی به کار رفته است.
- آشنا کردن علاقه‌مندان علوم تفسیر قرآن با تفاسیر قدیمی از جمله روض‌الجنان و کشف‌الاسرار و ترجمه‌های جدید از جمله ترجمه گرمارودی.
- تبیین و بررسی وجوه اشتراک و افتراق سبک ترجمه ابوالفتوح رازی و میبدی و گرمارودی.

۱-۶. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این پژوهش به مقایسه تفسیر قدیمی ابوالفتوح و کشف‌الاسرار میبدی از قرن ششم و ترجمه و تفسیر گرمارودی پرداخته شده است. انتخاب آیات در این پژوهش به صورت گزینشی بوده است. پس از مطالعه تفسیرهای مذکور و مراجعه به کتب و منابع مختلف، فیش‌برداری صورت گرفته و سپس طبقه‌بندی اطلاعات به تدوین تحقیق اقدام شده است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. روش‌شناسی تفسیر میبدی و ابوالفتوح رازی و گرمارودی

میبدی، اشعری و مقید به مبانی اندیشه اشاعره است و چنان‌که می‌دانیم مبانی فکری اشاعره مبتنی بر ظواهر و بر پایه انجماد و قشری‌گری است.
اشعریان دست در دامن عرفان و تصوف بردند تا با گریز از حقیقت و دور از ساحت قدسی شریعت، اندیشه سیال خود را در خارج از محدوده زمان و مکان، بر مصادیق انتزاعی حمل‌کنند و بدین طریق با حفظ ظواهر در ساحتی دیگر با استفاده از تخیل و ابزارهای آن چون استعاره، تشبیه، تمثیل، مجاز و زبانی که ظرف بیان آن باشد، گرد و غبار تکرار و کهنه‌گی را از چهره دین و آثار دینی زدوده و بدان تری و تازگی بخشند.
میبدی برای اثبات اعتقاد خود و همچنین نوع بینشش نسبت به مباحث عرفانی، تفسیر دووجهی به-وجودآورده که یک وجه آن (نوبت دوم) نمایشگر اندیشه‌های جزمی و متعصبانه یک مفسر اشعری یعنی تفسیر به مأثور (نقلی) است و وجه دیگر آن (نوبت سوم)، ترسیم‌کننده ذوق و مشرب عارفانه و لطایف روحانی یک مفسر صوفی است که به توجیه و تأویل شاعرانه آیات پرداخته و ادراکات خود را به شیوه واعظان و مذکران، همراه با جملات مسجع و موزون بیان داشته است. این بخش از تفسیر، بیش از آنکه جنبه دینی داشته باشد، سرشار از صنایع ادبی و بهره‌مندی از حلاوت زبانی است. بدین جهت

ملقب‌ساختن میبیدی به مفسر ادیب چندان عجیب و دور از ذهن نمی‌نماید و اگر بگوییم تنها وجه امتیاز میبیدی نسبت به سایر مفسرین، ارزش ادبی و ذوقی نوبت ثالثه است، راه خطا نیموده‌ایم. ابوالفتوح در هنگام تفسیر، مسائل فقهی را بر مبنای فقه شیعه که اساس آن به سنت و احادیث نبوی و روایات ائمه اثناعشر است، تبیین می‌کند و به شیوه اهل تشیع و علاوه بر کتاب و سنت از احادیث و آرای امامان و علما و محدثین شیعی مذهب نیز استفاده می‌کند و هیچ رای و نظری را جز خدا و رسول و ائمه نمی‌پذیرد. وی همچنین ضمن تحلیل مسائل و استناد به دلایل موافقان باتکیه بر آیات و احادیث، گاه خود اظهار نظر می‌کند و فتوای دهد.

ابوالفتوح از تفاسیر پیش از خود چون جامع‌البیان و تبيان تأثیر پذیرفته و بر تفاسیر پس از خود به- ویژه تفاسیر فارسی چون جلاء‌الاذهان معروف به تفسیر گازور و منهج‌الصادقین تأثیر داشته‌است. ابوالفتوح رازی قرآن را قابل فهم می‌داند و در مقدمه تفسیر تحت عنوان اقسام معانی قرآن بیان کرده‌است. ابوالفتوح رازی فهم قرآن را از نظر کیفیت و چگونگی به دو بخش تفسیر و تأویل تقسیم کرده‌است. در نظر ابوالفتوح رازی «تأویل صرف آیت باشد با معنا که محتمل باشد آن را موافق ادله و قراین و تفسیر علم سبب نزول آیه به علم به مراد خدای تعالی را می‌داند» (ج ۱ / ۲۴).

ابوالفتوح معتقد است که تفسیر نیاز به دلیل دارد و بدون دلیل نمی‌توان به مراد و مقصود خداوند دست‌یافت اما تأویل نیاز به آگاهی از معانی لغوی و در برخی موارد مبانی اعتقادی دارد تا احتمالاً تصحیح یک واژه به دست‌آید. ابوالفتوح فهم قرآن را نیازمند یادگیری علوم گوناگون می‌داند، به گونه‌ای که اقدام به تفسیر قرآن بدون آشنایی با آن‌ها را کار ناشایست و نشدنی می‌داند.

ترجمه گرمارودی، ترجمه‌ای آزاد، با نثر روان و دل‌نشین و باستان‌گرایانه است. گرمارودی در ترجمه به اصولی پایبند بوده‌اند و تا حد وسیع توانایی و تاجایی که به دقت ترجمه ضرر نرساند به آن‌ها عمل کرده‌اند. ترجمه گرمارودی از قرآن به شیوه تطبیقی (مقایسه و هم‌سنجی) است که سرآمد انواع روش‌ها در نگارش ترجمه است.

ترجمه آیات و عبارات و تعبیرات مشابه در سراسر این کتاب آسمانی به صورت یکدست و همگون و دقت در ترجمه اسامی نکره‌ها در آیات و دقت در ترجمه مترادف‌ها و معادل‌یابی زیبا برای برخی از کلمات و دقت در ترجمه اسامی مذکر و مؤنث که نشان از این است که مبانی ترجمه برای ایشان محرز بوده‌است.

۲-۲. مقایسه تطبیقی تفسیر ابوالفتوح رازی، میبیدی و گرمارودی

در طی قرون چهارم تا ششم آثار متعددی در پهنه ادب فارسی خلق و منتشر شد که بسیاری از این آثار از نظر ادبی و هنری بسیار متعالی‌اند. در این میان، ترجمه ابوالفتوح رازی از نظر ادبی و هنری در اوج است. ترجمه ابوالفتوح رازی، ترجمه تحت‌اللفظی است. مقصود از ترجمه تحت‌اللفظی این است

که متن قرآن، یا هر کتاب دیگر، در سطرهایی منظم نوشته می‌شود و ترجمه، به صورت حروف ریزتری، زیر سطرهای اصل متن آورده می‌شود، چون غالباً این نوع ترجمه برای کمک به متن فهم تهیه می‌شده است و نه به جای متن و برای خواندن مستقل، ترجمه هر کلمه نیز در زیر خود همان کلمه آورده می‌شده است.

در اینجا توجه شما را به دو نمونه از دو آیه سوره نساء جلب می‌کنم:

۱) (فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَ تَوْفِيقًا. (نساء/۶۲)

ترجمه ابوالفتوح: پس چگونه بود چون برسد به ایشان مصیبتی به آنچه در پیش افکند دست- هایشان، پس آیند به تو، سوگند می‌خورند به‌خدا که ما نخواستیم، مگر نیکویی و توفیق. تفسیر میدی: «فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ» این کلمه تعظیم بر لفظ تعجب، تهدید و وعید را گفت. می‌گوید: چون باشد حال آن منافقان آن‌گه که پاداش کردار ایشان به ایشان رسد و عقوبت آن برگشتن از رسول خدا بینند. بما قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ یعنی بما فعلوا. جای‌های دیگر گفت: قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ و قَدَّمَتْ يَدَاكَ و كَسَبَتْ أَيْدِيَكُمْ و كَسَبَتْ أَيْدِيَ النَّاسِ. این چنین الفاظ میان عرب رواست، که در کردار بد نام برند. بما قَدَّمَتْ أَيْدِيَهُمْ - اینجا سخن تمام شد. پس ابتدا کرد، گفت: ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ - این عطف بر سخن پیش است، یعنی تحاكموا الى الطاغوت و صدوا عنك، ثم جاءوك يحلفون بالله. می‌گوید: منافقان تحاکم بر طاغوت بردند و از تو برگشتند، پس آنگه آمدند و سوگند بالله می‌خوردند که ما به آن محاکمت جز خیر و صواب و تألیف میان خصمان نخواستیم و ذلک قوله: إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَ تَوْفِيقًا گفته‌اند که: معنی توفیق موافقت افکندن است میان قضا خداوند جل‌جلاله و میان ارادت بنده و این هم در شر بود و هم در خیر، اما به حکم عادت و عرف عبارتی خاص گشته است از جمع کردن میان ارادت بنده و میان قضایی که خیر و خیرت بنده در آن بود و این به چهار چیز تمام شود: هدایت و رشد و تسدید و تأیید هدایت راه نمودن حق است و رشد تقاضای رفتن در وی پدید آوردن و تسدید حرکات اعضاء وی بر صواب و سداد داشتن و تأیید مدد نور الهی از غیب در پیوستن.

۲) أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا. (نساء/۶۳)

ترجمه ابوالفتوح: ایشان آن‌اند که داند خدای آنچه در دل ایشان است، بگرد از ایشان و پندده ایشان را و بگو ایشان را در نفس‌های ایشان سخنی رسیده. در این ترجمه و تمام ترجمه‌هایی که به صورت تحت‌اللفظ انجام پذیرفته باشند، ورود برخی از نارسایی‌ها طبیعی است، اما این از ارزش کار به این بزرگی چیزی نمی‌کاهد. نشان دادن نارسایی‌های یک ترجمه قدیمی فقط در هنگامی موجه است که برای کار یک ترجمه معاصر و برای پرهیز از آن لغزشگاه‌ها باشد.

تفسیر میدی: *أُولَئِكَ الَّذِينَ آيَشَانِ أَنْ أَدَّ، يَعْلَمُ اللَّهُ كِه خدای می داند، مَا فِي قُلُوبِهِمْ* آنچه در دل‌های ایشان است، *فَأَعْرَضُ عَنْهُمْ* روی گردان از ایشان و فراگذار از ایشان، *وَ عَظَّمُ* و پندده ایشان را، *وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا* (نسا/۶۳) و ایشان را سخنی بلیغ گوی به تهدید.

اشراف گرمارودی بر متون کهن فارسی سبب شده تا بسیاری از واژگان قدیمی به ترجمه وی راه-یابد، اما این امر سبب نشده تا زبان به سمت کهنه‌گی سوق یابد و خواننده امروزی نتواند با ترجمه ارتباط برقرار کند. ترجمه ادبی گرمارودی تلفیقی از واژگان و عبارات کهن در کنار زبان معیار است. این یکی از ویژگی‌های مثبت این ترجمه است که سبب می‌شود تا خواننده علاوه بر آشنایی با واژگان، مفاهیم را نیز دریابد. (کوشا، ۱۳۹۵)

از ویژگی‌های بسیار مهم ترجمه گرمارودی ترجمه آزاد اوست که گران‌بها، دارای نثری روان و دل‌نشین و وفادار و با اندکی باستان‌گرایی است که در مؤخره به آن اشاره کرده‌است. در ترجمه ابوالفتوح رازی نیز شاهد این مدعا هستیم.

-البته برای بررسی تاریخ ترجمه‌های فارسی، به خصوص ترجمه‌های قرآنی نیز این ترجمه یکی از ترجمه‌های محوری خواهد بود.

گرمارودی در ترجمه به اصولی پایبند بوده‌اند و تا حد وسیع و توانایی و تاجایی که به دقت ترجمه ضرر نرساند به آن‌ها عمل کرده‌اند. ترجمه گرمارودی از قرآن به شیوه تطبیقی (مقایسه و هم‌سنجی) است که سرآمد انواع روش‌ها در نگارش ترجمه است.

ترجمه آیات و عبارات و تعبیرات مشابه در سراسر این کتاب آسمانی به صورت یکدست و همگون و دقت در ترجمه اسامی نکره‌ها در آیات و دقت در ترجمه مترادف‌ها و معادل‌یابی زیبا برای برخی از کلمات و دقت در ترجمه اسامی مذکر و مؤنث که نشان از این است که مبانی ترجمه برای ایشان محرز بوده‌است.

در ترجمه رازی بیشتر سادگی و صریح بودن ترجمه به چشم می‌خورد. معادل‌یابی در ترجمه، کاری لازم، دقیق و طاقت فرساست که در ترجمه گرمارودی بیشتر و ابوالفتوح کمتر دیده می‌شود. همسان‌سازی معادل‌های کلمات، کاری است دشوار، ولی به هر حال ضروری است؛ چراکه این همسان‌سازی، نظم کلمات و آیات و همگونی آن‌ها را، در ترجمه منعکس می‌سازد (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

این نظم در ترجمه رازی کمتر از ترجمه گرمارودی به چشم می‌خورد. این نظم و همگونی در ترجمه گرمارودی در برخی آیات به وضوح دیده می‌شود؛ هرچند ایشان در مؤخره خود یکی از ویژگی‌های ترجمه خود را پایبندی به اصولی دانسته‌اند و تاحدی هم در ترجمه آیات و عبارات مشابه به آن عمل کرده‌اند.

ترجمه گرمارودی و ابوالفتوح رازی نمونه برتر نثر ترجمه قرآن می‌باشند. آن‌ها تا حدود زیادی همه امکانات و ابزار زبان فارسی را به‌کار گرفته‌اند تا ترجمه، صحیح و دلپذیر گردد. در ترجمه گرمارودی، لغات شیوا، فاخر و استوار، هم از زبان کلاسیک و هم معاصر به‌صورت آمیخته استفاده شده است؛ به‌گونه‌ای که نثر ترجمه‌ایشان، نه نثری قدیمی است و نه به زبان محاوره.

گرمارودی دارای شیوه‌ای یکسان در ترجمه است، در این ترجمه از نظر معیار و متعارف امروز بهره‌برده‌اند، با اندک بهره‌ای بیشتر از چاشنی کهن‌گرایی که نثر ترجمه را خواندنی، ماندنی، فخیم و فاخرتر ساخته است.

گرمارودی در شعر و ادبیات سرآمد است و از دیگر نقاط جالب ترجمه گرمارودی و ابوالفتوح رازی آن است که در کاربرد الفاظ فارسی و روان در اوج قرار دارد.

قلم گرمارودی هم ادبی است و هم قابل فهم برای عموم. ترجمه گرمارودی این قابلیت را دارد که در حوزه زبان فارسی به‌عنوان مرجع استفاده شود.

از مشکلات ترجمه گرمارودی یکسان‌سازی معانی جمله‌هاست، آیات و عبارات مشابه در ترجمه کاری است دشوار و طاقت‌فرسا که برخی از مترجمان از آن صرف‌نظر کرده و ترجمه آن‌ها گرفتار عدم هماهنگی و نظم در چینش بعضی کلمات است، اما این مشکلات در ترجمه ابوالفتوح رازی کمتر به چشم می‌خورد.

آنچه در ترجمه ابوالفتوح رازی می‌توان ملاحظه کرد آن است که وی به همان ترجمه رسمی (طبری) اعتماد کرده است و این امری ظاهراً رایج بوده است اما این ویژگی در ترجمه گرمارودی دیده نمی‌شود اما نثر ابوالفتوح رازی در ترجمه قرآن نسبت به نثر رایج زمان خویش، روان و گاه موزون و آهنگین است و کمی حجم ترجمه وی با ترجمه به متن آیات - نسبت به دیگر ترجمه‌ها - از امتیازات بارز این ترجمه است.

از نقاط زیبای ترجمه ابوالفتوح رازی این است که ایشان هرگز از کلمات مترادف برای معادل‌سازی واژه‌های قرآن استفاده نکرده‌اند، بلکه معادل هر کلمه قرآنی فقط یک واژه فارسی آورده است و این ویژگی در ترجمه گرمارودی به‌ندرت به چشم می‌خورد.

یکی از ویژگی‌های ترجمه گرمارودی که ما شاهد آن هستیم، ترجمه جمله صله از نظر زمانی است. (در ساختار زبان عربی هرگاه در جمله‌های فعلیه، فعل جمله بر موصول مقدم گردد، بار تأکیدی موصول افزایش می‌یابد. برطبق این ساختار، جمله صله از نظر زمانی نسبت به جمله قبل خود یک‌زمان گذشته‌تر ترجمه می‌شود.)

- یکی از شایستگی‌های ترجمه گرمارودی این است که در اکثر آیات، لام جحود (لَا مَجْحُودٌ: در اصطلاح نحویان عبارت از: لَامِ جَحْدٍ است که معمولاً به گونه زائده بعد از نَفْسِ (کَانَ) ناقص برای

تأکید میاد) را به یک ساختار و به یک شکل و به معنای « بر آن نیست» ترجمه کرده است. یافتن معادل برای این ساختار در بیشتر زبانها امری دشوار است.

- گرمارودی در ترجمه جملات حالیه علی‌رغم تمام دقت‌ها و ظرافتی که انجام داده‌اند و طبق آنچه در مؤخره خویش فرمودند که «اگر واو حالیه بود، حالیه ترجمه کردم و کوشیدم آن را دوبار خرج نکنم» ما در این ترجمه گرمارودی به مواردی برخوردیم که ایشان گاهی این اصل را در ترجمه رعایت نکرده و نهایتاً در ترجمه این ساختار نحوی دقت و نکته‌سنجی لازم صورت نگرفته است، این ایراد در ترجمه ابوالفتوح رازی به چشم نمی‌خورد.

- گرمارودی از نظر ترتیب عناصر ساختاری جمله و عدم رعایت نشانه نگارشی علی‌رغم تمام تلاش‌هایی که برای دستیابی به دقت هرچه بیشتر در امر ترجمه شده است و باتوجه به اینکه ویراستاران صاحب‌نظری که کار ویرایش این اثر ارزشمند را بر عهده داشته‌اند، این عدم توجه در حد گسترده جای شگفتی است که از چشم ویراستاران ارجمند پنهان مانده است، برخی ایرادات نیز که در متن به آن اشاره کرده‌ایم نیز به ترجمه ابوالفتوح رازی وارد است.

- ارزش اثر رازی، در بخش‌های تفسیر و ترجمه تفاوت‌هایی دارد، برخی از ارزش‌های آن مخصوص ترجمه است. یعنی معادل‌های زیبای فارسی که در برابر واژه‌های عربی قرار گرفته است، گنجینه‌ای را پدید آورده است که ارزش فوق‌العاده‌ای دارد. زبان فارسی از این ترجمه و ترجمه‌های فارسی دیگر قرآن کریم سود فراوانی برده و می‌تواند ببرد.

- قدیمی‌تر بودن زبان ترجمه ابوالفتوح: این قدمت و نو بودن را پیشوندها و پسوندهای قدیمی زبان خراسانی و دستور تاریخی زبان فارسی خراسانی نشان می‌دهد. تفاوت دیگر راه یافتن برخی عناصر زبانی در لهجه منطقه زبانی خاص ابوالفتوح در ترجمه و تفسیر اوست که ظاهراً از لهجه زمان ابوالفتوح است؛ از جمله شکل خاصی از دوم شخص جمع که استادان مصصح درباره آن به تفصیل سخن گفته‌اند.

- تفاوت محتوایی در هر دو ترجمه، در موارد بسیاری خودش را نشان می‌دهد، این تفاوت فقط در موارد فقهی و کلامی خلاصه نمی‌شود، موارد دیگری را هم شامل می‌شود.

- در دستور زبان، تفاوت تاریخی این دو زبان خودش را به خوبی در نمونه‌های ارائه شده نشان می‌دهد، هم در دستور زبان و هم در مفردات، مانند پسوندها و پیشوندها.

- در مقایسه معلوم شد که ترجمه تفسیر ابوالفتوح تفاوت‌های بسیار جلی‌زبانی، دستوری و محتوایی با ترجمه‌های دیگر دارد که احتمال تحت‌تأثیر آن بودن را به شدت کاهش می‌دهد و به این معنا نیست که اصلاً تأثیرگذار نبوده است.

- بیان این نکته می‌نماید که مترجمی دانشمند و فقیهی فارسی‌دان و آگاه به زبان تازی و فارسی چون ابوالفتوح رازی، توانسته است با ذوق سلیم و قوت طبع و احاطه کلام، به همان شیوه، اسلوب و

انسجام قرآن مجید را به پارسی برگردانده که جمعی از علمای ماوراءالنهر به ترجمه تفسیر طبری توفیق یافته‌اند.

سنجش ترجمه آیات قرآنی در این دو اثر مهم، نه تنها از جهت مقایسه اسلوب ترجمه حائز اهمیت است، بلکه از حیث انتخاب نوع کلمات و حروف نیز، کمال اهمیت را داراست. در این جنبه خاص از ترجمه است که نکته‌ای مطرح می‌شود:

ملاحظه حفظ و امانت‌داری مترجم در نقل مطلب و دیگر ملاحظه روح و طبیعت دو زبان، یعنی آنچه مایه اصلی انتقال معنی است از زبانی به زبان دیگر.

حجۀ الاسلام کوشا درباره شخصیت موسوی گرمارودی فرمودند با بیان اینکه بنده او را انسانی حق جو یافتیم، عنوان کرده‌ام علی‌رغم توانایی‌هایی که در حوزه ترجمه دارد، ترجمه‌اش را ۳ بار به دست ویراستار سپرد.

نمونه‌های چند از دو ترجمه:

ترجمه گرمارودی: به نام خداوند بخشنده بخشاینده

ترجمه ابوالفتوح: به نام خدای بخشاینده بخشایشگر

ترجمه میبیدی: به نام خداوند فراخ‌بخشایش مهربان.

بقره/۵:

ترجمه گرمارودی: آنان از (سوی) پروردگارشان به رهنمودی رسیده‌اند و آنانند که رستگارند.

ترجمه ابوالفتوح: ایشان، [بر بیانند] از خدای [ایشان] و ایشان [اند] که ظفریافتگان‌اند.

ترجمه میبیدی: و ایشان‌اند که بر پیروزی و نیکی بمانند جاودان.

فاطر/۱۶:

ترجمه ابوالفتوح: اگر می‌خواهد ببرد شما را و بیارد خلقی نو را.

ترجمه گرمارودی: اگر بخواهد شما را می‌برد و آفریدگان تازه‌ای می‌آورد.

ترجمه میبیدی: اگر خواهد ببرد شما را با نیست و آفریده‌ای آرد نو.

فاطر/۱۷:

ترجمه ابوالفتوح: و خوانندگان ذکر می‌کنند...

ترجمه گرمارودی: و به آن خوانندگان (کتاب آسمانی) که نیک یادآوری می‌کنند.

ترجمه میبیدی: بخوانندگان سخن خداوند عزوجل.

صافات/۴:

ترجمه ابوالفتوح: که خدای شما یکی است.

ترجمه گرمارودی: که بی‌گمان خدای شما یگانه است.

ترجمه میبیدی: که خداوند شما یکی است.

صافات/۵:

ترجمه ابوالفتوح: خدای آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن است و خدای مشرق‌ها.
ترجمه گرمارودی: پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست و پروردگار خاورها.
ترجمه میبدی: و خداوند مشرق و مغرب آفتاب.

صافات/۳۴:

ترجمه ابوالفتوح: مژده دادیم او را به اسحاق پیغامبری از نیکان.
ترجمه گرمارودی: و بدو اسحاق را نوید دادیم که پیامبری از شایستگان بود.
ترجمه میبدی: بشارت دادیم او را به اسحاق پیغامبری از نیکان.

صافات/۱۱۶:

ترجمه ابوالفتوح: و یاری کردیم ایشان را، بودند ایشان غلبه‌کنندگان.
ترجمه گرمارودی: و یاریشان کردیم پس آنان بودند که پیروز شدند.
ترجمه میبدی: و دست گرفتیم ایشان را تا ایشان بیامدند و دشمن شکستند.

غافر/۴۹:

ترجمه ابوالفتوح: آفریدن آسمان‌ها و زمین مهم‌تر از آفریدن مردمان و لکن بیشتر مردمان ندانند.
ترجمه گرمارودی: به یقین آفرینش آسمان‌ها و زمین بزرگ‌تر از آفرینش مردم است اما بیشتر مردم نمی‌دانند.

ترجمه میبدی: آفرینش آسمان و زمین مه است از آفرینش مردم و لکن بیشتر مردمان نمی‌دانند.

غافر/۸۳:

ترجمه ابوالفتوح: اگر پرسی ایشان را که آفرید آسمان‌ها و زمین؟ گویند: بیافرید آن را خدای قوی دانا.

ترجمه گرمارودی: و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است خواهند گفت آن‌ها را (خداوند) پیروزمند دانا آفریده است.

ترجمه میبدی: و اگر پرسی ایشان را: که آفرید آسمان‌ها و زمین‌ها، ایشان گویند آن توانای دانا آفرید آن را.

- با توجه به نمونه‌های بالا، چنین استنباط می‌شود که ترجمه گرمارودی حائز ویژگی فارسی‌گرایی بدون افراط به شیوه نثر معیار است؛ چراکه لابلای واژگان این اثر فاخر می‌توان نرمی، لطافت و ظرافت را دید. همچنین قواعد دستور زبان در این ترجمه به طور کامل رعایت شده و تاجایی که امکان‌پذیر بوده از ترجمه تحت‌اللفظی و به‌کارگیری الفاظ مترادف پرهیز شده است.

- انطباق ترجمه با متن و به عبارت دیگر، وفاداری و پایبندی به متن مورد توجه مترجم بوده و از طرفی زیبانگاری و چینش هنرمندانه کلمات هم لحاظ شده است و در این راستا مترجم تلاش کرده تا

هیچ‌یک از آن‌ها را قربانی دیگر نکند، به این معنی که تاحدودی وفاداری به متن با حفظ روانی و زیباپردازی در نشر ترجمه جمع شده است.

- از مشخصات دیگر ترجمه گرمارودی در مثال‌های بالا این است که معادل‌های جدید و ابتکاری در تعدادی از واژگان جلوه ویژه‌ای به این اثر داده و گویای حسن ابتکار مترجم است؛ به‌عنوان مثال به‌جای نگهبانان، دوزخبانان را به‌کاربرده و آفریدگان را جایگزین مخلوق و ریشخند را جایگزین مسخره کرده است. (کوشا؛ ۱۳۹۵) نگارنده در موارد بررسی شده به این نتیجه رسید که این واژه‌ها در ترجمه‌های دیگر دیده‌نشده و ابتکار و نبودن خود را نشان می‌دهد.

- یکی از موارد مهم و اساسی که در ترجمه گرمارودی دیده می‌شود و می‌توان نقد کرد ترجمه نادرست معرفه و نکره در اسم خاص و صفات الهی است که در بعضی از موارد ترجمه درست ادا نشده است و مترجم یکنواخت عمل نکرده است. موارد و گاه معرفه نکره ترجمه شده است.

- گرچه این دو ترجمه دارای اشکالاتی است که انتظار هر خواننده‌ای که هرچند اندک با ترجمه فارسی آشناست این است که فاقد اشکالات مذکور باشند؛ اما از محسنات و ویژگی‌های بسیار ارزنده آن‌ها نیز نباید چشم‌پوشی کرد.

- در پاره‌ای موارد ترجمه آیات در دو متن با یکدیگر شباهتی نسبی دارند، این تشابه گهگاه در صورت کلمات و کمیت حروف نیز صادق است. بدیهی است نسبت این تشابه گاه در حد یک حرف یا صورت یک کلمه می‌باشد. اما آنچه مسلم می‌نماید این نکته است که تناسبی بین و منطقی بین دو ترجمه وجود دارد. البته در پاره‌ای از موارد این تشابه بسیار اندک است.

- علت اختلاف این دو ترجمه ممکن است به جهاتی چند بوده باشد، از آن جمله است:

طرز جمله‌بندی و بیان مطلب و همچنین انتخاب معادل‌های فارسی در برابر کلمات تازی، یا آن‌که توضیح مترجم در موردی بیشتر متعلق به نفس تفسیر است و نه معنی آیه، سرانجام احتمال ضبط کلمه و انتخاب قرائتی خاص است که ترجمه را متفاوت می‌سازد.

- در حوزه نحوی نیز ترجمه‌های تفسیر ابوالفتوح رازی همخوانی بیشتری با اقتضانات نحوی زبان فارسی نشان می‌دهند.

- در هر دو ترجمه مشابهت‌هایی هم از لحاظ انتخاب الفاظ دیده می‌شود که دال بر شباهت ترجمه (فارسی آغازین) و یکدستی بیان و اتخاذ علوم ادبی است.

- هیچ‌یک از دو ترجمه، عاری از عیب و ایراد نیست؛ ترجمه تحت‌اللفظی ابوالفتوح رازی در بسیاری از موارد از رساندن مفهوم آیه ناتوان است.

- باتوجه به محاسن موجود در دو ترجمه می‌توان چنین برداشت کرد که هر یک از آن‌ها در شیوه و سبک خود از بهترین نمونه‌های موجودند.

باتوجه به شباهت‌هایی که بین تفسیر ابوالفتوح و گرمارودی وجود دارد، شیوه کار رشیدالدین میبدی در کشف الاسرار متفاوت است، میبدی آیات قران را در سه نوبت مورد تحلیل و تفسیر قرار داده است. ابتدا بخشی از آیات را جزء به جزء به فارسی روان و شیرین تحت‌اللفظی تحت عنوان «النوبه‌الاولی» ترجمه کرده است و آنگاه در النوبه‌الثانیه به تفسیر همان بخش پرداخته و در ضمن آن از قرائت، شأن نزول، اخبار و احادیث، مباحث ادبی، نحوی، تاریخی و فقهی به تفصیل سخن گفته است. و بالأخره در النوبه‌الثالثه آیات را به مذاق صوفیان و عارفان توجیه و تأویل می‌کند و در ضمن آن کلمات قصار، تأویلات عرفانی آیات و سخنان نغز مشایخ را می‌آورد و این قسمت را بیشتر با سخنان خواجه عبدالله انصاری و اشعار سنایی می‌آمیزد.

۳. نتیجه گیری

از رهگذر مقایسه این تفاسیر، این نکات را درمی یابیم که:

دلیل اختلاف در ترجمه ها این است که ترجمه قرآن کاری سخت و پیچیده است، بر همگان روشن است که قرآن معجزه الهی است و برگردان آن به زبان دیگر کاری بس دشوار است.

روش ترجمه ابوالفتوح رازی به جهت زمان و موقعیت مکانی به صورت تحت اللفظی بیان شده که آن زیبایی خاص و قابلیت فهم برای مخاطب امروزی را ندارد، اما در ترجمه گرمارودی این شیوایی و لطافت و قابل فهم بودن باعث شده که مخاطب از خواندنش لذت ببرد و مورد پسند باشد.

اشراف گرمارودی بر متون کهن فارسی سبب شده تا بسیاری از واژگان قدیمی به ترجمه وی راه یابد، اما این امر سبب نشده تا زبان به سمت کهنه گی سوق یابد و خواننده امروزی نتواند با ترجمه ارتباط برقرار کند.

حدومرز کلمات و ترکیبات معین و مشخص است؛ بدین معنی که در هر دو اثر مرز کلمات و ترکیبات و حروف و ضمائر کاملاً مراعات شده است.

ترجمه های اولیه قرآن مجید، نشانه توجه و ایمان مردم ایران به دین اسلام است به ویژه که با تفسیر هم همراه بوده است و معلوم می دارد که بدون تحقیق به دین اسلام نگرویدند و سعی در فهم و درک آن و کتاب آسمانی قرآن داشته اند. در عین حال علاقه به زبان فارسی را نیز نشان می دهد.

ترجمه فارسی آیات قرآن در ترجمه کهن ابوالفتوح رازی، شیرین و شایسته طبع است و زبان خاص ابوالفتوح رازی (فارسی منطقه ری در قرن ششم) را برای ما بازگو می کند. به نظر می رسد که در ترجمه هایی به گویش قدیم، براساس تاریخمندی آن، نباید موارد خاص ترجمه را با زمان حال مقایسه کرد و ایراد گرفت بلکه باید به این گویش ها توجه خاص داشت تا دچار بی دقتی در پژوهش نشویم و آن ها را نقاط ضعف به حساب نیاوریم که دور از انصاف است.

تقریباً تمام ترجمه های کهن به شیوه تحت اللفظی انجام شده اند. تلاش مترجمان آن دوران بر این بوده است که هیچ واژه و حرفی از قرآن در ترجمه فروگذار نشود و آن را با حفظ امانت، در ترجمه خود منعکس سازند. از لحاظ سبک، این ترجمه ها به نثری بلیغ و سبکی ادبی و روان تألیف شده اند.

ترجمه ابوالفتوح کاملاً به کتب سده ۵ ق/ ۱۱ م شباهت دارد و نثر آن، به ویژه در هنگام نقل قصص، از نوع نثر مرسل (که ساده ترین وسیله برای بیان مقاصد نویسنده است) شمرده می شود. مترجم علوم ادبی را نیز رعایت کرده است.

مطلب دیگر در نثر ابوالفتوح کاربرد مکرر افعالی است با افزونه «ها» در آغاز، مثل هازدن، هاشدن، هاگرفتن که جزء ویژگی‌های لهجه‌ای ری، سمنان، دامغان و طبرستان بوده و هنوز در برخی از این نواحی باقی مانده است و تأیید دیگری است بر آمیختگی زبان شیخ با زبان مردم و کاربردهای شفاهی ایشان.

دو مترجم به علم نحو دقت فراوان داشته‌اند، آن را پایه و مبنای ترجمه خویش قرار داده‌اند البته گرمارودی به حفظ بلاغت اهتمام بیشتری نشان داده است.

با آنکه تنه اصلی تفسیر را باید برگرفته از مجالس و امالی مؤلف دانست، اما در جای‌جای آن آثار بازنویسی دیده می‌شود و در چنین مواردی است که گاه زبان ابوالفتوح به صنایع ادبی، البته در حدی طبیعی و غیرمتکلف و بیشتر در حوزه سجع و جناس آراسته می‌شود.

در خصوص ویژگی‌های منحصر به فرد کشف الاسرار باید گفت که مقایسه نثر روض الجنان و کشف الاسرار با سبک نثر قرن پنجم و ششم، رجحان و برتری نگارشی کشف الاسرار را آشکار می‌سازد، زیرا نثر این کتاب در حال گذر از نثر مرسل قرن پنجم و ششم بوده و به نثر مسجع و تاحدودی مصنوع قرن هفتم گرایش دارد، در حالی که نثر روض الجنان (اگرچه در قرن ششم نوشته شده) در نهایت سادگی و روانی همراه با فصاحت و بلاغت مختص قرن چهارم و پنجم و به دور از تکلفات ظاهری و صنایع لفظی است. وجود اندک بعضی از صنایع چون سجع و جناس در آغاز بعضی از فصول و یا در اثنای تفسیر آیات که بدون تصنع و تکلف آمده، آن قدر کم‌رنگ و بی‌رونق است که در هنگام خواندن کمتر به چشم می‌آید.

ماحصل این بررسی سبک شناسانه به لحاظ عرفانی و نیز از حیث نگارشی روشن‌گر این سخن است که تفسیر کشف الاسرار میباید به دلیل بهره‌گیری از تخیل و استعمال تشبیهات و استعارات و مجازها و استفاده از سجع و همچنین بیان اسرار و رموز عارفان و القای معانی مختلف آن‌ها و بروز عواطف و احساسات، از نظر ادبی و عرفانی بر تفسیر روض الجنان و روح الجنان برتری نسبی دارد؛ اگرچه تفسیر ابوالفتوح رازی هم از این موارد بهره‌های فراوان گرفته است.

منابع و مأخذ

- ۱) آزمون اسمرود، عسگر (۱۳۹۳). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بررسی و مقایسه سبکی تفسیر ابوالفتوح رازی (روح‌الجنان)، کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار میبیدی و ترجمه تفسیرالمیزان علامه طباطبایی با تأکید بر سوره‌های مبارکه حمد، یوسف، کهف و قصص، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
- ۲) بهار، محمدتقی (۱۳۸۱). سبک‌شناسی، تهران: زوار.
- ۳) حسین‌پور، ملیحه (۱۳۸۸). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، «بررسی دیدگاه روایی ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان با تأکید بر اسرائیلیات» دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم تهران: دانشکده علوم قرآنی.
- ۴) حوری رضازاده سفیده (۱۳۹۴). «بررسی ترجمه قرآن از تفسیر روض الجنان و روح الجنان»، ش ۲، مجله میثاق، صص ۲۹-۴۸.
- ۵) خارچینه، مریم (۱۳۸۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، «مقایسه ترجمه قرآن کریم (از ترجمه‌های محمدمهدی فولادوند و علی موسوی‌گرمارودی ۱۵ جزء اول)»، دانشگاه سمنان.
- ۶) خجندی، عبدالمنان نصیرالدین (۱۳۸۵). ترجمه قرآن استاد گرمارودی در یک نگاه، مجله بینات، س ۱۳، ش ۴۹ و ۵۰، صص ۴۲۲-۴۲۵.
- ۷) رحیمی خویگانی، محمد (۱۳۶۹). «نقد واژگانی؛ ترجمه موسوی‌گرمارودی از قرآن کریم با تکیه بر سطح معنایی لغوی گارسس»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۴، ش ۷، صص ۶۹-۹۴.
- ۸) رضایی‌اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۶). منطق ترجمه قرآن؛ تهران: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۹) علی، موسوی‌گرمارودی (۱۳۸۷). ترجمه قرآن، تهران: نشر قدیانی.
- ۱۰) کریمی، زهرا (۱۳۹۲). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، «تحلیل ساختاری سوره آل‌عمران با

Analytical Comparison of the Approach to the Translation of the Qur'an
by Abolfotuh Razi and Garmaroodi with the Mystical Interpretation of
Kashf al-Asrar

Sohrab Jeynour

Theology Department, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Mohammad Hassan Masoumi

Assistant Professor, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran;

Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran;

Nadali Ashuri Taluki

Assistant Professor, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Abstract

The Holy Quran as a divine book has always been considered by Muslim thinkers and each of them tried to present their interpretation and interpretation in a specific style to their own scientific community. Abolfotuh Razi, Rashid al-Din Meybodi and Mousavi Garmaroodi are among those who have taken great strides in the field of interpretation and translation of the Qur'an. Abolfotuh Razi is one of the most prominent preachers in the Ray region in the sixth century AH. This position has caused his interpretation to have a preacher style. One of the requirements of such a style is to pay special attention to interpretive narrations. Abu al-Futuh has been influenced by previous interpretations such as Jame 'al-Bayyan and Tebyan and has influenced later interpretations. Its linguistic style is ultimately simple and fluent, with eloquence and rhetoric specific to the fourth and fifth centuries, far removed from superficial and verbal tasks. In Kashf al-Asrar, Rashid al-Din Meybodi interprets the verses of the Qur'an three times, while at the same time he speaks in detail about recitation, revelation, news and hadiths, etc. and in the third turn he justifies and interprets the verses to the taste of Sufis and mystics. The interpretation of Kashf al-Asrar has benefited greatly from the elements and mechanisms of inducing meanings, such as imaginary, permissible, prostration, simile, and metaphor. Among the Persian translations of the Qur'an, especially in recent decades, several translations that are very fluent, accurate and beautiful have been published, one of which is the translation of Ali Mousavi Garmaroodi. In this research, it is a descriptive analysis. By comparing the interpretation of Kashf al-Asrar and the interpretation of Rawd al-Jannan by Abu al-Futuh al-Razi, both of which were written in the sixth century, with the new interpretation of Mousavi Garma Rudi, Meybodi's mystical views are influenced by other interpretations. To be shown

Keywords:

Mystical Interpretation, Translation of the Qur'an, Translation of Garmaroodi, Discovery of Mysteries, Rawd al-Jannan.

* Corresponding Author: dr.mh.masoumi@gmail.com